

تیرت روز

سخنگوی دولت از شناور شدن ساعات کار ادارات مختلف در دو هفته اول مهر خبر داد

ارباب رجوع: ساعت قدیم و جدید کم بود، ساعت شناور و ثابت هم بهش اضافه شد!

زنگنه: مانفترامی فروشیم، ولی نمی توانیم راحت بفروشیم

مردم: راضی به زحمت تون نیستیم، بریزین سر سفره های ما شاید خودمون بتونیم یک کاریش بکنیم!

ایران ارزان ترین مقصد گردشگری در بین ۱۴۰ کشور جهان / ایرنا

و گران ترین مبدأ گردشگری در جهان!

تولیدرب ۲۲ هزار تومانی با گوجه هزاری!

یا گوجه هاش خرید قدیمه یا هزارایش جدیده!

وزیری، عضو تیم ملی تیرو کمان: با کمان قرضی به دنبال سهمیه المپیک هستیم!

اتفاقا این طوری قدر شو بیشتر می دونی، به شرطی که قرضشون رو از جایزه ات کم نکنن!

مرکز آمار: درآمد مردم از هزینه های شان بیشتر شد

مردم: انصافا همیشه این جوری آمار مون رو غلط درمیارین یا الان از دست تون دررفته؟!

وزیر آموزش و پرورش: امروز چتر آموزش در سراسر کشور و در همه مناطق حتی کم جمعیت گسترده شده است

دار کوب: مطمئنین چترش سوراخ نیست؟!

کله چغوقی

آق کمال به مراسم ختم می رود!

آق کمال! همه کاره و هیچ کاره



چشم تان روز بد نبینه، پدر بزرگ یکی از شناس های دور ما فوت کرده بود، نمدنم بری چی به ما خبر داده بودن. حالا مبرعکس عروسی، سعی منکم مجلس ختم ره حتما بزم. ولی ای یکی مجلس هاشه خبردار نشده بودم و خانواده مرحوم کارت هفتمشه آورده بودن. تعجب کردم بری چی همه مانده دعوت کردن، مور به با عیال و آقام و آقای دکتر ره هم با خانواده گفته بودن، اویم به صرف شام. آقام اینا و آقای دکتر اینا که گفتن ما خدا بیامرز ه نمشناسیم و رومان نمشه، ولی چون خیلی اصرار کردن میم، اویم به خاطر ای که تو هتل مراسم گیرفتن و ممکنه خیلی زیر بار خر گرفته باشن، گناه درن، اگه نرم بدشان میه!

جاتان به عروسی خالی، وارد سالن هتل که شدم و گفتیم مهمونای فلانیم، با عزت و احترام اهنمای کردن به سالن او بری. هم وارد که شدم دیدم سالن کنفرانس، صاحب عزها دم در خوش آمد برآمد گفتن و تعارف کردن بیشینم رو مبلاتا ازمان پذیرایی بشه. انا حالا خوب رفت. ما هاج و واج از ای مدل تعزیه، شروع کردن به پذیرایی... انواع شرنی و میوه و نوشیدنی گرم سرد و مدالی خرما و تر حلوا و حتی یک چیزایی که نمدنستیم چی جوری باید بخورم. همزمان یک نفر هم «مرن آدام» ره مخواندویگ کلیپی هم از مرحوم از جوونیش تاروی تخت مرده شور خانه پخش مکردن.

بعد که پذیرایی شدم، گفتن حالا بفرمایین سالن بغلی. چشمتان روز بد نبینه، میز سلف سرویس با غذاهایی که حتی تو عروسی ها هم تا حالا ندیده بودم. آقام و آقای دکتر که غصه مخوردن بری چی او طرف ای قدر تر حلوا و نارنجک با نسکافه خورده بودن. خانوما هم شو که بودن که ای چه سر و وضعیه. فکر کنم ای وسط برم مدل جمال بیشتر از همه یاد مرحوم بودم، چون هی بشفا بشه پر مکرد و گفت: «خدا بیامرز چی زله هایه... نور به قبرش بیاره چی رولت گوشته...»!

توثیت روز

مدلینگ با عینک جوشکاری!

چمپیونز لیگی که سر دار آزمون توش گل می زنه جام دسته سه است! تو قطار دست شویی تون رو نگه دارید، معرفت داشته باشید. اینفلوئنسر هامیرن رو اون ریل های می خوابن عکس می گیرن! نوشته اگه ز شنید از این عینک دودی گنده ها که نصف صورت رو می پوشونه بزیند که به زیبا سازی شهری کمک بشه. من خودم ماسک جوشکاری می زنم!

با یام وقتی من نوجوان بودم، یک مسئله ای داشت که وقتی می رسه خونه جای تازه دم آماده باشه. از شمال که راه می افتاد بیاد، ۵۰ کیلومتری خونه زنگ می زد کتری رو بذار روی گاز تا من می رسم جوش آمده باشه!

تنها حالتی که می تونم مدل شم اینه که برم مدل جمال بیشتر از همه یاد مرحوم بودم، چون هی بشفا بشه پر مکرد و گفت: «خدا بیامرز چی زله هایه... نور به قبرش بیاره چی رولت گوشته...»!



کار تون روز

ماجراهای آغاز سال تحصیلی!



با خانمان

دانشجو یک روح در ۲۰۰ هزار بدن

زهرا فرنیاز / طنزپرداز



دانشجویی فقط دانشگاه قبول شدن و سر کلاس رفتن نیست. دانشجویها به محض ورود به صفحه قبولی دانشگاه همگی باهم دچار همدلی و همبستگی خاصی می شن. هر چقدر هم گاهی از همدیگه بدشون بیاد، چیزی مثل تله پاتی در دل همه شون قرار داره و حس های مشترک دارن. طبق تقویم همه شون احساس خشم و نفرت و علاقه و عشق در شون پدید میاد. مثلا الان اون موقعی از ساله که دانشجویها به طور سراسری بدون توجه به رنگ و نژاد و نوع دانشگاه و قومیت و جنسیت، همه باهم بانگ «درد بر آموزش» و «درد بر انتخاب واحد» سر میدن که امیدوارم بدونید درود چه معنی می ده، مجبور به شکافتنش نباشم.

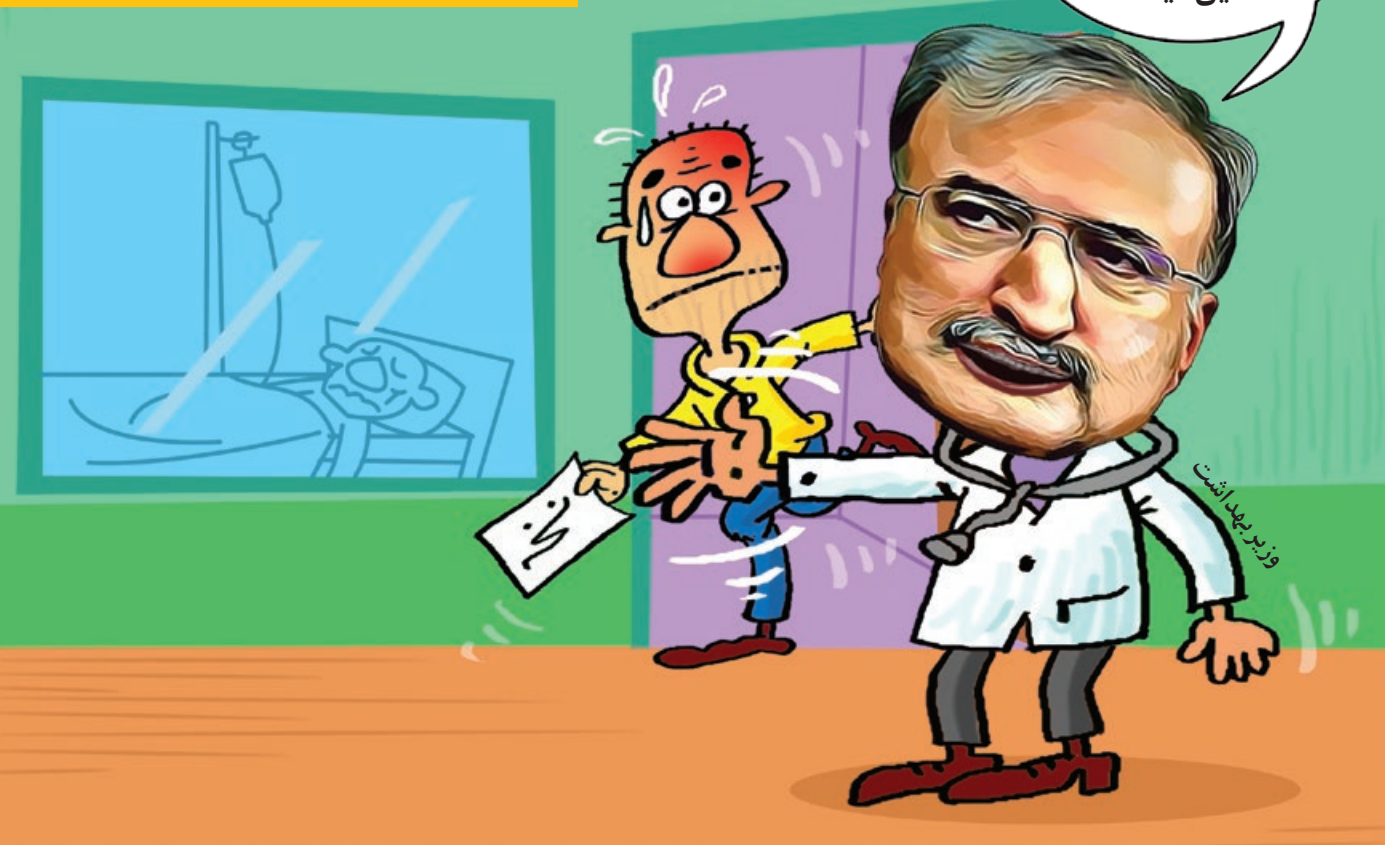
صحبت انتخاب واحد شد، یاد این افتادم که باید سر در آموزش دانشکده به جای سازمان ملل بزین «بنی آدم اعضای یکدیگرند (یک پیکرند؟)» که در آفرینش ز یک گوهرند / چو

عضوی به در داور دروز گار، دگر عضوهار انماند قرار، تا مسئول آموزش بدون شنیدن مشکل شما، سریع به بطور غیر ارادی نگه: «مشکل من نیست». بابا شما گوش بده، شاید واقعا مشکل شما بود. یعنی به مسئول آموزش بگی: «خونه ات داره می سوزه» باز هم همین رو میگه. اصلا اینا حساسن روی هر حرفی که از دهن دانشجوی خارج بشه. از این تودل بروتر و درود بگیر تر توی دانشگاه نداریم. حتی آشنیز سلف که از لحاظ استشمام بوی بد غذا کاملا «کر بوته» و با آشنیزی بیگانه، در جایگاه دوم قرار می گیره. همین آموزش که همه چی رو مشکل خودتون می دونن وقتی به خاطر این واحد گیری های شخم زده شده نمی تونید درست درس ها رو بردارید (به این شکل که به درس ساعت ۴ صبح شنیده، درس بعدی ده شب چهارشنبه و همزمانی تمام درس ها و امتحانات شون) و نهایتا بیشتر از ۱۴ واحد نمی تونید بردارید، با هاتون مشکل پیدا می کنن و سر بعا هزینه سنوات می گیرن.

حرف این که اگه در آینده خواستید مسئول آموزش دانشگاهی بشید (بعید بدونم از بچهای بیرسن در آینده می خوامی چه کاره بشی؟ بگه مسئول آموزش) به جوری مسئول آموزش بشید انگار خودتون می خواین این واحدها رو بردارید، انتقام آموزش های دانشجویی تون رو از ما بگیرید، آموزش های قبلی مشکل ما نیستن!

وزیر بهداشت: تمام داروهای مورد نیاز تا ۳ سال دیگر در کشور تامین می شود

معاون وزارت بهداشت: هیچ بیمارستانی حق ندارد بیمارار را برای تهیه دارو و تجهیزات پزشکی به خارج از بیمارستان ارجاع دهد



فال روز

ای صاحب فال، بد بینی را کنار بگذار و خوش بینی را به کار بند. خوش بینی! نه این که بینی ات رو خوشگل کنی!

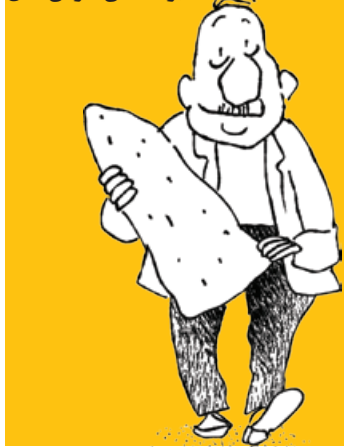
شعر روز

نان نامه!

من از همه محله بهتر بودم
در بین پرنده ها کبوتر بودم
شاگرد دیک مدرسه بودم اما
من در صف نان همیشه آخر بودم!

من در صف نان، پاره کتانی کردم
با هر کس و نا کسی تیبانی کردم
او داخل ریس عاشقی کرده من
بین صف سنگکی جوانی کردم!

چون خود روی پنچری گرفتم دیپلم
با بر گه دیگری گرفتم دیپلم
او در پر قو گرفته بی اچ دی را
من در صف بربری گرفتم دیپلم!



پیامک روز

پیامک ۰۹۹۹۰۰۰۰
تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

هر چه می خواهد دل تنگت بگو! فقط...
نوشتن «دار کوب» در پیامک فراموش نشود!

شنیدم بعضی بنگاه های املاک هم از ترس مالیات، کارت خوان هاشون رو برداشتن و فقط نقدی حق الزحمه می گیرن. اینودیگه چی کار کنیم؟ یک مستاجر دار کوب: ما که معامله ملک نمی کنیم، وای به حال اونایی که خرید و فروش می کنن و حتما با این قضیه مشکلی ندارن!

مدرسه ها داره باز می شه و این مشکل دریافت پول به اسم های مختلف در مدرسه های دولتی حل نشد.

دار کوب: شاید مسئولان حل این مشکل رو گذاشتن برای سال تحصیلی آینده که با خیال راحت و سر فرصت حلش کنن!

دار کوب به جای این که هی انتقاد کنی و کسی هم به حرفت گوش نده، دست مسئولان رو بگیر و به دور تو شهر راهشون ببر تا از نزدیک خودشون مشکلات مردم رو ببینن و بفهمن دنیا دست کیه.

دار کوب: اتفاقا مسئولان می دونن دنیا دست کیه ولی اگه دستم بهشون می رسید که با هاشون برم دور دور، همین حرف ها رو حضوری بهشون می گفتم دیگه!

قیمت لوازم بد کی آن قدر بالا رفته که اگر به جای بردن ماشین به تعمیرگاه، آن را عوض کنیم به صرفه تر است!

دار کوب: به شرط این که ماشین جدیدی که می خرین اصلا راه بره و از نمایندگی بیاد بیرون!

دار کوب جان کارت ملی اضافه نداری؟ یک ساله برای کارت جدید ثبت نام کردم ولی هنوز خبری نشده.

دار کوب: اتفاقا کارت منم در دست چاپه هنوز!

دار کوب چقدر حرف می زنی، خسته نشدی؟

دار کوب: تا وقتی خواننده های با محبتی مثل شما داریم، خستگی معنی نداره!



صفحه ۲۴ از زندگی سلام پنجشنبه ها
کاناپه
صفحه ای برای آخر هفته
ویژه آن ها که مطالعه را دوست دارند
اما وقت ندارند